

Research Supervision Ethics; Identifying the Ethical Challenges of Dissertations/ Theses Supervision in Iran and Providing Code of Ethics

Rahman Sharifzadeh

PhD in Philosophy of Science and Technology; Assistant Professor; Information and Society Research Department; Iranian Research Institute for Information Science and Technology (IranDoc); Tehran, Iran Email: sharifzadeh@irandoc.ac.ir

Received: 02, Mar. 2022

Accepted: 27, Apr. 2022

Abstract: The purpose of this paper is to identify the ethical challenges of dissertations/theses supervision in Iran and to provide the codes of ethics for supervisors according to the challenges. The process of achieving this goal has consisted of four steps: determining ethical principles for supervision as a profession, identifying ethical challenges, examining the relationship between the challenges and the Iranian academic context, and codifying the ethical duties of supervisors. Accordingly, in the first step, a set of ethical principles that can be an ethical basis for research supervision as profession is justified. In the second step, research supervision challenges are extracted from the literature-researches as well as the regulations of various universities and institutes. In the third step, surveying a number of faculty members and graduated/graduate students we asked them how many of the challenges occur in the Iranian academic context, and also what other challenges can be added to our list of the challenges. The results of this step indicated the high relevance of the challenges to Iranian academic context. Due to the fact that both groups of supervisors and students participated in this research, it was possible to compare their ethical perspectives as well. In some cases, students and faculty members had divergent views on the importance and occurrence of some of the challenges. Finally, in the fourth step, based on the obtained challenges and in accordance to their instances, 36 independent codes were provided, and their relevance and comprehensiveness was evaluated in a focus group.

Keywords: Supervision Ethics, Supervisor, Ethical Challenges, Thesis, Dissertations

**Iranian Journal of
Information
Processing and
Management**

**Iranian Research Institute
for Information Science and Technology
(IranDoc)**

ISSN 2251-8223

eISSN 2251-8231

Indexed by SCOPUS, ISC, & LISTA

Vol. 38 | No. 3 | pp. 715-744

Spring 2023

<https://doi.org/jipm.38.3>



* Corresponding Author

اخلاق راهنمایی پژوهش؛

چالش‌ها و کدهای اخلاقی راهنمایی پایان‌نامه‌ها

و رساله‌ها در ایران

رحمان شریف‌زاده

دکتری فلسفه علم و فناوری؛ استایار؛
پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک)؛
sharifzadeh@irandoc.ac.ir



دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۱ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۰۷ مقاله برای اصلاح به مدت ۳ روز نزد پدیدآور بوده است.

نشریه علمی | رتبه بین‌المللی
پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران
(ایرانداک)

شاپا (چاپی) ۲۲۳-۲۲۵۱

شاپا (الکترونیکی) ۸۳۱-۸۳۰

نمایه در SCOPUS، ISI، LISTA و

jipm.irandoc.ac.ir

دوره ۳۸ | شماره ۳ | صص ۷۱۵-۷۴۴

بهار ۱۴۰۲

<https://doi.org/jipm.38.3>



چکیده: هدف این مقاله شناسایی چالش‌های اخلاقی راهنمایی رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها و تدوین کدهای اخلاقی متناسب با این چالش‌هاست. فرایند رسیدن به این هدف، دارای چهار گام تعیین اصول اخلاقی، استخراج چالش‌های اخلاقی، بررسی ارتباط چالش‌ها با زمینه دانشگاهی ایران، و تدوین کدهای اخلاقی راهنمایی رساله‌ها و پایان‌نامه‌هاست. بر این اساس، در گام نخست، مجموعه‌ای از اصول اخلاقی که می‌تواند زیربنای اخلاقی حرفه راهنمایی پژوهش باشند، معرفی و توجیه می‌شود. در گام دوم، چالش‌های راهنمایی پژوهش از ادبیات موضوع، پژوهش‌ها و همچنین آئین‌نامه‌های دانشگاه‌های متعدد استخراج، و مصادیق و مقوله‌بندی آن‌ها مشخص می‌شود. در گام سوم، با نظرسنجی از تعدادی از اعضای هیئت علمی و دانشجویان/ فارغ‌التحصیلان تحصیلات تکمیلی، در قالب تکنیک دلفی به این سؤال پاسخ می‌دهیم که این چالش‌ها چه اندازه به زمینه دانشگاهی ایران مربوط هستند؛ به عبارت دیگر، تا چه اندازه در زمینه ایران نیز رخ می‌دهند. همچنین، چه چالش‌های دیگری را می‌توان به چالش‌های استخراج‌شده اضافه کرد. نتایج این گام، حاکی از ارتباط بالای این چالش‌ها با زمینه ایران هستند. با توجه به اینکه استادان و دانشجویان به‌عنوان دو ذی‌نفع اصلی حرفه راهنمایی پژوهش در این پژوهش مشارکت داشتند، امکان مقایسه چشم‌انداز اخلاقی آن‌ها با هم فراهم بود. در برخی موارد، دانشجویان و اساتید دیدگاه‌های واگرایی نسبت به میزان اهمیت و وقوع برخی چالش‌ها داشتند. سرانجام، در گام چهارم، بر اساس چالش‌های به‌دست‌آمده و متناسب با مصادیق آن‌ها، ۳۶ کد مستقل برای مجموعه چالش‌ها تدوین، و ارتباط و جامعیت کدها با کمک یک گروه کانونی سنجیده شد.

کلیدواژه‌ها: اخلاق راهنمایی، استاد راهنما، چالش‌های اخلاقی، پایان‌نامه، رساله

۱. مقدمه

نخستین تجربه دانشجویان از پژوهش به‌طور معمول، نوشتن پایان‌نامه است. در نتیجه، اولین تمرین انجام یک پژوهش اخلاق‌مدارانه، در جریان نوشتن پایان‌نامه‌ها صورت می‌گیرد. اساتید راهنما و مشاور نه تنها ناظر کار پژوهشی هستند، بلکه نخستین راهنمای اخلاق پژوهش دانشجویان نیز به‌شمار می‌روند (Alfredo and Hart 2011; Gray and Jordan 2012). دانشجویان در عمل و به‌طور مستقیم از نحوه مواجهه این اساتید با خود و فرایند نوشتن پایان‌نامه بسیار متأثر خواهند شد. از این رو، هر نوع تخلف یا بدرفتاری پژوهشی از سوی اساتید راهنما و مشاور می‌تواند اثرات دیرپایی روی دانشجو باقی گذارد (Anderson, Louis & Earle 1994; Löfström et al. 2015).

اساتید راهنما و مشاور به‌صرف اینکه در مقام نظارت و راهنمایی پایان‌نامه قرار می‌گیرند، دارای یک سری وظایف اخلاقی، و دانشجویان نیز به تناسب آن دارای حقوقی خواهند شد. اهمیت این موضوع باعث شده که اکثر دانشگاه‌های بزرگ در سراسر جهان، از جمله دانشگاه ادینبورا، کمبریج^۱، شفیلد^۲، گلاسکو^۳، مانس^۴، هلسینکی^۵، و آی‌ان‌ان^۶، اقدام به تنظیم کدهای اخلاقی اساتید راهنما و مشاور پایان‌نامه و رساله‌ها کنند. اساتید موظف‌اند پیش از بر عهده گرفتن راهنمایی یا مشاوره یک پایان‌نامه یا رساله از کدهای اخلاقی حاکم بر کار خود و از پیامدهای تخلف از آن‌ها آگاهی یابند.

هدف اصلی ما در این پژوهش شناسایی چالش‌های اخلاقی راهنمایی پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها و تدوین کدهای اخلاقی متناسب با چالش‌هاست. این هدف چنانکه در بخش روش‌شناسی خواهیم دید، در چهار گام تعیین اصول اخلاقی، شناسایی چالش‌ها، بررسی ارتباط چالش‌ها با زمینه دانشگاهی ایران، و سرانجام، تدوین کدهای اخلاقی قابل دستیابی است.

تاکنون چندین پژوهش به بررسی ابعاد اخلاقی و چالش‌های اخلاقی راهنمایی پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها پرداخته‌اند. برای مثال، «گودیر، کرگو و جانستون» به برخی از

1. University of Edinburgh (2021) 2. Cambridge University (2018) 3. The University of Sheffield (n.d.)
4. University of Glasgow (2018) 5. Monash University (2020) 6. University of Helsinki (2015)
7. INN university (2019)

مهم‌ترین چالش‌های راهنمایی پژوهش‌های دانشجویی اشاره می‌کنند و راه‌حل‌هایی نیز برای آن‌ها ارائه می‌دهند (Goodyear, Crego & Johnston 1992). «فیالتو، و کایلا و کسکینن» و همچنین «لافستروم و فیالتو» عوامل متعدد اجتماعی، زمینه‌ای و اخلاقی‌ای را که می‌تواند بر رابطه استاد راهنما و دانشجو اثر بگذرانند، به بحث می‌گذارند (Löfström & Pyhältö 2012; Pyhältö, Vekkaila, & Keskinen 2012). همچنین، (Löfström & Pyhältö 2015) دوراهی‌های اخلاقی رابطه استاد راهنما و دانشجو را بررسی کرده‌اند. (Manathunga & Justine (2007) تعارض منافع استاد راهنما و دانشجو، و (Watts (2010) عدم هماهنگی میان اساتید راهنما را به‌عنوان یک چالش مهم به بحث گذاشته‌اند. «یوسفی، بذرافکن و یمانی» به برخی از پیچیدگی‌ها و چالش‌های راهنمایی پژوهش در دانشگاه‌های ایران اشاره می‌کنند که برخی از آن‌ها ماهیتی اخلاقی دارند. آن‌ها به چهار درون‌مایه: (۱) مسئله زمینه‌ای (مثلاً پر مشغولگی استاد راهنما، کمبود منابع)، (۲) ابهام در نقش (ساختار ضعیف نظارت بر رساله، ابهام در معیارهای خبرگی در راهنمایی)، (۳) بازتاب ضعیف (خودارزیابی ضعیف، ارتباط ناکافی)، و (۴) چالش اخلاقی (نبود رفتار حرفه‌ای، تعاملات نامطلوب) اشاره می‌کنند (Yousefi, Bazrafkan and Yamani 2015). بعضی از پژوهش‌ها نیز روی چالش خاصی متمرکز شده‌اند. «قربانی تنها» (۱۳۹۸) در مقاله خود با عنوان «اخلاق‌مداری در فرایند انجام پایان‌نامه» به برخی از ملاحظه‌های اخلاقی مانند نظارت مناسب، رعایت امانت‌داری، و انصاف در حین فرایند انجام پایان‌نامه اشاره می‌کند (۱۳۹۸). همچنین، پژوهش‌های متعددی در مورد روابط استاد راهنما و دانشجویان و میزان رضایت‌مندی آن‌ها از یکدیگر انجام شده است. برای مثال، «عطاران، زین‌آبادی و طولابی» در مقاله‌ای با عنوان «انتخاب استاد راهنما و رابطه دانشجو-استاد راهنما دیدگاه‌های آموختگان دوره دکترا» میزان رضایت‌مندی دانشجویان دکتری از عملکرد اساتید راهنمایانشان در رشته علوم تربیتی را بررسی کرده‌اند (۱۳۸۸). «سلیمی و حسینی» وظایف اساتید راهنما را به‌عنوان یک ارشادکننده پژوهشی از نقطه نظر مجموعه‌ای از دانشجویان دکتری و اکاوی کرده‌اند که برخی از این وظایف دلالت‌های اخلاقی دارد (۱۳۹۸).

در مقاله حاضر پس از استخراج مجموعه‌ای از چالش‌ها، با نظرسنجی از برخی استادان و دانشجویان/ فارغ‌التحصیلان تحصیلات تکمیلی ارتباط، میزان اهمیت، و جامعیت این چالش‌ها را در زمینه دانشگاهی ایران خواهیم سنجید. اما پیش از آن باید درباره دو موضوع مقدماتی بحث کنیم. نخست اینکه راهنمایی پژوهش چیست و ماهیت حرفه‌ای این کنش

در چیست؟ و دوم اینکه چه اصول اخلاقی‌ای زیربنای اخلاقی این حرفه را شکل می‌دهد، به نحوی که چالش‌های استخراج‌شده به‌گونه‌ای آن اصول اخلاقی را نقض می‌کنند.

۲. روش پژوهش

این پژوهش در چهار گام، (۱) مشخص کردن اصول اخلاقی، (۲) شناسایی چالش‌های اخلاقی، (۳) بررسی ارتباط چالش‌ها با زمینه دانشگاهی ایران، و (۴) تدوین کدهای اخلاقی انجام گرفت. در این گام‌ها به ترتیب از روش‌های استدلال‌ورزی اخلاقی^۱، مطالعات اسنادی، روش دلفی، و گروه کانونی استفاده شده است. در گام نخست، با توجه به اینکه چالش‌های اخلاقی و تدوین کدهای اخلاقی نیازمند پیش‌فرض گرفتن یک سری اصول اخلاقی است، این اصول اخلاقی بر اساس استدلال‌ورزی (ارائه استدلال‌های اخلاقی) در اخلاق کاربردی مشخص می‌شوند و مبنای کار قرار می‌گیرند. ما بر اساس استدلال‌هایی اصول «سر دیوید راس»^۲ را مبنای قرار دادیم. در گام دوم، چالش‌های اخلاقی بر اساس مرور ادبیات موجود استخراج شدند. برای استخراج آن‌ها نه تنها از پایگاه‌های داده، بلکه از آئین‌نامه‌های دانشگاهی متعدد در این زمینه تا رسیدن به اشباع اطلاعاتی استفاده شد. ما برای هر چالش، دست کم دو گویه یا نمونه باز برگرفته از مجموعه پژوهش‌ها و آئین‌نامه‌های دانشگاه‌ها و نیز مصاحبه و گفت‌وگو با دیگر پژوهشگران همکار ذکر کرده‌ایم تا بتوان تصور به نسبت روشنی از این چالش‌ها داشت. همچنین، مقوله‌بندی این چالش‌ها در قالب تکنیک مثلث‌سازی (یا زاویه‌بندی)^۳، به تأیید دو پژوهشگر دیگر رسید و سرانجام، مبنای کار برای ادامه پژوهش قرار گرفت. در گام سوم، ارتباط و انطباق این چالش‌ها با زمینه ایران از طریق طراحی پرسشنامه در قالب روش دلفی، سنجیده شد. ما از مجموعه‌ای از دانشجویان، فارغ‌التحصیلان و اساتید پرسیدیم که آیا چالش‌های استخراج‌شده را به زمینه ایران مرتبط و چه اندازه مرتبط می‌بینند و همچنین، به‌عنوان یک سؤال باز پرسیدیم که چه چالش‌های دیگری در زمینه رابطه استاد-راهنما-دانشجو در انجام پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها در ایران وجود دارد. در این گام، با گروهی متشکل از ۲۵ نفر از دانشجویان تحصیلات تکمیلی، فارغ‌التحصیلان و اساتید کار کردیم و تلاش

۱. استدلال‌ورزی، در کنار روش‌هایی چون تحلیل مفهومی و آزمایش فکری از روش‌های فلسفی متداول محسوب می‌شود.

2. Sir David Ross

3. triangulation

کردیم تنوع رشته و حوزه‌های آموزشی و پژوهشی و نیز تجربه‌ی استادان در راهنمایی و مشاوره‌ی دانشجویان به‌عنوان دو معیار در نظر گرفته شود. در گام چهارم، متناسب با مصادیق چالش‌ها، مجموعه‌ای از کدها تدوین شد و ارتباط کدها و چالش‌ها از طریق یک گروه کانونی متشکل از ۸ نفر از افراد آشنا با حوزه‌ی اخلاق مورد بررسی قرار گرفت.

۳. راهنمایی پژوهش چیست؟

«راهنمایی پژوهش»^۱ نوع خاصی از راهنمایی است که در آن فردی نحوه‌ی انجام یک پژوهش توسط پژوهشگر را بررسی و پایش می‌کند و در مسیر انجام آن از وی پشتیبانی فکری، زبانی، و روش‌شناختی به عمل می‌آورد. نظارت و راهنمایی پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها زیرمجموعه‌ای از نظارت و راهنمایی پژوهش است که در دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها انجام می‌شود. در اینجا راهنما یا ناظر، به‌طور معمول، یک عضو هیئت علمی است که (با پیشنهاد معاونت آموزشی/ پژوهشی و حکم رئیس پژوهشکده/ دانشکده) بر فرایند انجام پژوهش و نگارش یک پایان‌نامه یا رساله توسط دانشجو نظارت می‌کند. استادان راهنما بسته به میزان درگیری در این فرایند می‌توانند چند نفر و در چند سطح باشند. آنچه در ایران «استاد مشاور» خوانده می‌شود نیز یک استاد راهنماست که به‌طور معمول، در ادبیات انگلیسی «استاد راهنمای همکار»^۲، استاد راهنمای دوم، یا استاد راهنمای سوم خوانده می‌شود. همچنین، در مواردی که یک رساله یا پایان‌نامه دارای دو استاد راهنما با نظارت و مسئولیت یکسان است، به‌طور معمول، از اصطلاح استاد راهنمای مشترک^۳ استفاده می‌شود. البته، «دانشگاه کمبریج» نیز همانند دانشگاه‌های ایران از واژه‌ی استاد مشاور^۴ استفاده می‌کند. در این دانشگاه گروه راهنمایی و نظارت متشکل از دست‌کم یک استاد راهنمای اصلی و یک مشاور است (Cambridge University 2018). با این حال، به‌طور معمول، در ادبیات انگلیسی اصطلاح «استاد مشاور» کاربرد دیگری دارد و با این اصطلاح در ایران فرق می‌کند. استاد مشاور در ادبیات انگلیسی کسی است که به‌طور معمول، در دوره‌ی دکتری از همان ترم نخست برای ارائه‌ی مشاوره به دانشجو در زمینه‌ی انتخاب دوره‌های آموزشی، و دیگر مسائل و مشکلات دانشجو انتخاب می‌شود.

راهنمایی پژوهش فعالیت‌های چندکنشگری و چندعاملی است. «راهنمایی پژوهش

1. research supervision

2. associate supervisor

3. joint supervisor

4. student advisor

فرایند پیچیده‌ای است که از عوامل بسیاری تأثیر می‌پذیرد؛ از جمله وضعیت دانشگاهی، شخصیت‌های استاد راهنما و دانشجو، و رابطه‌ای که میان آن دو به وجود می‌آید، تخصص و خبرگی استاد راهنما، و مسئله‌ای که دانشجو در طول فرایند پژوهش با آن مواجه می‌شود» (Miller 2013, 83). اما در این فعالیت پیچیده، استاد راهنما به‌طور خاص چه نقشی بازی می‌کند؟ و چگونه نقش وی و روابط خاصی که با دانشجو دارد، می‌تواند به مسائل اخلاقی دامن بزند؟ چه اصول اخلاقی‌ای هستند که بر اساس آن می‌توان برخی از رفتارها را از نظر اخلاقی، مسئله‌دار دانست؟

اکثر دانشگاه‌ها به‌طور خاص به نقش و وظایف استاد راهنما اشاره می‌کنند. اما در برخی دانشگاه‌ها در مورد اینکه این وظایف چه هستند، ممکن است نوعی ابهام و سردرگمی وجود داشته باشد. حتی میان دانشگاه‌هایی که به‌طور آشکار نقش‌ها و وظایف استاد راهنما را ذکر می‌کنند، تفاوت‌های قابل توجهی به چشم می‌خورد. برخی به بیان یک سری کلیات بسنده می‌کنند، اما برخی این وظایف را به شکلی جزئی‌تر و مشخص‌تر بیان می‌کنند. برای مثال، «دانشگاه سیدنی» استرالیا برای استاد راهنما وظایف زیر را به شکل کلی تعریف کرده است (Sydney University n.d.).

۱. در حوزه مطالعاتی شما توصیه‌هایی ارائه و به پژوهش شما جهت می‌دهد؛
۲. برای پیشرفت کار شما مراحل تعیین، و پیشرفت‌تان را پایش می‌کند؛
۳. درباره کارتان بازخورد می‌دهد، و شما را تشویق و پشتیبانی می‌کند.

در مقابل، «کالج دانشگاهی لندن» وظایف استاد راهنما را چنین تعریف می‌کند (UCL 2019):

۱. طرح و مسئله پژوهشی دانشجو را صورت‌بندی می‌کند؛
۲. روش‌های پژوهشی را که باید به کار روند، مشخص می‌کند؛
۳. با جامعه پژوهشی گسترده‌تر حوزه مطالعاتی انتخابی دانشجو آشنا می‌شود؛
۴. نتایج پژوهش دانشجو را ارزیابی می‌کند؛
۵. اطمینان پیدا می‌کند که کار دانشجو استانداردهای لازم دانشگاه را برآورده می‌کند؛

۱. formulate؛ صورت‌بندی غیر از طرح و معرفی است. این دانشگاه نمی‌گوید که استاد راهنما برای دانشجو موضوع پژوهش و مسئله پژوهش را تعریف می‌کند، بلکه می‌گوید در صورت‌بندی آن به نحوی که با استانداردهای پژوهشی دانشگاه همخوان باشد، نقش بازی می‌کند.

۶. بر اساس مهلت‌ها^۱ کار را پیش می‌برد؛
 ۷. برای بهبود کار دانشجوی به وی بازخورد می‌دهد؛
 ۸. مشکلاتی را که ممکن است در جریان پژوهش ایجاد شود، رفع می‌کند.
 ۹. کار دانشجوی را برای دیگر دانشجویان، دانشگاهیان یا طرف‌های علاقه‌مند ارائه می‌کند؛
 ۱۰. گام‌های بعدی حرفه یا مطالعات بیشتر دانشجوی را آماده می‌کند.
- راهنمایی پژوهشی چیست و اینکه چگونه باید باشد، بر اساس سنت‌ها و رویه‌های دانشگاه‌ها و رشته‌ها ممکن است متفاوت باشد (Todd, Smith & Bannister 2006). با این حال، رسیدن به یک زمینه مشترک چندان دشوار نیست. «گرت، هاکنی و ادگار» با بررسی سیاست‌های چندین دانشگاه موارد زیر را به‌عنوان مشترکات اصلی وظایف استاد راهنما در سیاست‌های این دانشگاه‌ها ذکر می‌کنند (Grant, Hackney & Edgar 2014, 47).
۱. با حوزه موضوعی و فرایند پژوهشی رشته مورد نظر آشنا باشد؛
 ۲. با قواعد و آئین‌نامه‌هایی که بر کار پژوهشی دانشجوی حاکم هستند، آشنا باشد؛
 ۳. به شکلی علمی به دانشجوی در انجام پژوهش راهنمایی و مشاوره^۲ بدهد، و در برخی موارد در رویه‌های تجربی به‌طور مستقیم آموزش دهد؛
 ۴. با راهنمایی دانشجوی به سازمان‌های آموزش دیده مربوطه، وی را در موضوعات خدمات معنوی/اجتماعی (یعنی مسائل شخصی، سلامتی، یا مالی) یاری دهد؛
 ۵. دانشجوی را در پیشرفت حرفه‌اش، هم در دوره دانشجویی (مثلاً از حضور دانشجوی در کنفرانس‌ها، تجربه تدریس، درخواست جوایز/بورس تحصیلی، ورود به مسابقات، انتشار) و هم پس از آن (برای مثال، گزارش‌های ارزیابانه برای گرفتن موقعیت [کاری] یا درخواست پژوهانه) حمایت کند؛
 ۶. با دانشجوی به‌ویژه بر سر داشتن جلسات رسمی منظم با وی به یک تفاهم برسد؛
 ۷. از کار دانشجوی ارزیابی انتقادی سازنده‌ای داشته باشد.
 ۸. دانشجوی را به فوریت از پیشرفت نارضایت‌بخش هر جنبه‌ای از کار آگاه کند، و اگر این

1. deadlines

۲. چنان‌که قبلاً اشاره کردیم، کار استاد راهنما و مشاور از نظر ماهوی با هم تفاوتی ندارد، بلکه تفاوت در سطح مسئولیت، درگیری و همکاری آن‌هاست. بنابراین، هم استاد راهنما و هم مشاور در کار راهنمایی کردن و مشورت دادن هستند (مشورت دادن خود نوعی راهنمایی کردن است)، با این تفاوت که سطح مسئولیت، درگیری و کار استاد راهنما بیشتر از استاد مشاور است و در نتیجه، وی به نحوی مدیر گروه راهنمایی (supervision team) محسوب می‌شود.

پیشرفت نارضایت‌بخش احتمالاً پایان یافتن مطلوب کار را با مشکل مواجه می‌کند،

چنین توصیه‌ای به شکل کتبی صورت بگیرد؛

۹. برای اینکه شکل رساله الزامات دانشگاه را برآورده کند، و همچنین آمادسازی متن نوشتاری رساله با هنجارها و انتظارات حوزه علمی مورد نظر همخوان باشد، به گونه‌ای خاص راهنمایی و پیشنهاد دهد؛

۱۰. به شکلی فعال در آماده‌سازی برنامه پژوهشی دانشجو دست داشته باشد؛

۱۱. درباره پیشرفت طرح پژوهشی در طول زمان کار، گزارشی بنویسد؛

۱۲. دانشجو را در شناسایی موضوعات اخلاقی و مالکیت فکری و پیروی از آئین‌نامه‌های اخلاقی و مالکیت فکری یاری دهد و اطمینان یابد که وی درباره پیامدهای بدرفتاری پژوهشی آگاه است.

«گرت، هاکنی و ادگار» در یک تقسیم‌بندی از سه استعاره برای توصیف کار راهنمایی استفاده می‌کنند: استعاره ماشین، مربی، و سفر. در استعاره ماشین، راهنمایی و نظارت همچون عملکرد یک ماشین است که ورودی و خروجی خاصی دارد و از الگوریتم‌ها (سیاست‌ها/ باید و نبایدهای خاصی) پیروی می‌کند. استعاره مربی، تمرکز اصلی‌اش روی پایش و کنترل است (Grant, Hackney & Edgar 2014). در اینجا استاد راهنما انعطاف چندانی ندارد و همچون یک مربی ورزش دستورالعمل‌های خود را دیکته می‌کند و میدان چندانی برای خلاقیت خود دانشجو باقی نمی‌گذارد. بسیاری از مشارکت‌کنندگان در پژوهش «گرت، هاکنی و ادگار» هم‌صدا بودند که استاد راهنما نباید نظارت بیش از حد بر دانشجو داشته باشد ... چراکه کار، کار دانشجوست و استاد راهنما نباید خود را کنترل‌گر تصور کند (ibid 54). از نظر آن‌ها استاد راهنما صرفاً باید مشاوره بدهد. به همین دلیل آن‌ها مفهوم «مشاور طرح» را بر راهنمایی و نظارت ترجیح می‌دادند؛ چرا که «راهنما/ ناظر» دلالت معنایی نادرستی درباره کار راهنمایی ایجاد می‌کند. راهنمایی صرفاً کنترل و پایش نیست، بلکه استاد راهنما بیشتر یک «دوست منتقد» است (ibid). البته، مفهوم دوست نیز دلالت‌های مسئله‌سازی برای راهنمایی و نظارت پژوهش دارد. چنانکه «کیرنز و فین» اشاره می‌کنند، استاد راهنما دوست نیست، چون دوستی لوازمی دارد. «وی باید دوستانه رفتار کند اما دوست نباشد» (Kearns and Finn 2017).

استعاره سفر هیچ نوع دلالتی بر پایش و کنترل ندارد و بر خلاف استعاره ماشین نیست. بر رابطه میان استاد و دانشجو مبتنی است. طبق این استعاره، استاد راهنما چند

ویژگی دارد: ۱) یک همراه سفر است که تجربه بیشتری از دانشجوی دارد؛ ۲) خود آمادۀ یادگیری است؛ و ۳) مشتاق سفر (موضوع پژوهش) است. بنابراین، ترکیبی از تجربه (دانش)، روحیۀ یادگیری (انعطاف‌پذیری) و اشتیاق را دارد (Grant, Hackney & Edgar 2014, 54).

آن‌ها سرانجام، نتیجه می‌گیرند که عناصری از هر سه استعاره برای تعریف یک نظارت و راهنمایی خوب لازم است (ibid 55). نظارت خوب، هم کم‌ویش در چارچوب سیاست‌های دانشگاه پیش می‌رود؛ هم تا حدی حاوی نظرت و کنترل است؛ و هم استاد راهنما همچون یک همسفر باتجربه و مشتاق یادگیری با دانشجوی ارتباط دارد. با این حال، در هیچ یک از این عناصر افراط نمی‌شود.

اما در کنار این وظایف ایجابی، دو کار هست که وظیفۀ استاد راهنما نیست (Kearns and Finn 2017, 165):

۱. استاد راهنما مؤظف نیست مسائل جدی شخصی و خصوصی دانشجوی را حل کند یا درگیر آن شود. با این حال، مؤظف است توصیه‌های سازنده‌ای در اختیار وی گذارد یا وی را به مراکز یا بخش‌هایی که می‌توانند به وی کمک کنند، معرفی کند؛
۲. استاد راهنما نباید نقش پژوهشگر را ایفا کند و برای دانشجوی پایان‌نامه یا رساله بنویسد. نقش استاد راهنما، «راهنمایی و نظارت» است، نه «پژوهشگری».

اصول اخلاقی راهنمایی پژوهش

اصول اخلاقی، یک‌سری اصول راهنمای عملی هستند که در تصمیم‌گیری‌های اخلاقی در موقعیت‌های جزئی نقش بازی می‌کنند. بسته به اینکه شما در فرااخلاق چه موضعی داشته باشید، اصول اخلاقی یا توجیه‌شان را از نظریه‌ها یا قواعدی در اخلاق هنجاری می‌گیرند یا بدیهی‌اند و نیازی به توجیه ندارند. این اصول بازتاب بنیادی‌ترین الزامات اخلاقی ما هستند و در نتیجه، بر تشخیص چالش‌های اخلاقی و تدوین کدهای اخلاقی اولویت دارند. در واقع، احساس چالش و مسئله اخلاقی به این برمی‌گردد که ما دارای چنین اصولی هستیم. ما چالش اخلاقی را نقض یک یا چند اصل اولیۀ اخلاق در نظر می‌گیریم.

اصول اخلاقی دست کم دارای سه ویژگی است: نخست اینکه دارای نیروی الزام‌آور هستند؛ آن‌ها وظایفی را که در بادی نظر باید انجام شوند، بیان می‌کنند بدون اینکه ادعای مطلق بودن داشته باشند؛ برای مثال، ما اصل را بر این می‌گذاریم که نباید دروغ بگوییم.

با این حال، این اصل (اصل صداقت) در هر موقعیتی قابل اعمال نیست و این فرق اصل و قانون است. قوانین، گزاره‌هایی مطلق و خدشه‌ناپذیر هستند.^۱ دوم اینکه اصول دارای شکل و ساختاری عام و جهان‌شمول هستند. آن‌ها «علی‌الاصول» در همه جا و در هر جایی قابل اطلاق‌اند بدون اینکه ادعای مطلق بودن داشته باشند و سوم اینکه اصول اخلاقی بنیادی هستند؛ به این معنا که از دیگر اصول نتیجه نمی‌شوند (Verweij 2007, 57-58).

(Kitchener 1984 پنج اصل ۱) آسیب نرساندن، ۲) سود رساندن، ۳) احترام به استقلال دیگران، ۴) منصف بودن، و ۵) متعهد بودن را معرفی کرد که در اخلاق روان‌شناسی و مشاوره، کسب‌وکار، پژوهش، راهنمایی و نظارت نیز مبنا قرار گرفته است. Goodyear (1992) و Crego & Johnston (2015) و Löfström & Pyhälä (2015) در پژوهش خود که راجع به اخلاق راهنمایی و نظارت پژوهش است، این اصول را مبنای کار خود قرار داده‌اند. (Berggren, Barbosa da Silva & Severinsson 2005) اصولی مانند مراقبت، کرامت، مسئولیت و فضیلت را تشکیل دهنده ارزش‌های نظارت پرستاری بالینی می‌دانند که کسانی دیگر مانند (Severinsson 2015) از آن‌ها در نظارت پژوهشی استفاده کرده‌اند. کاربست‌پذیر بودن این اصول در نظارت بر پژوهش تا حد زیادی روشن است. استاد راهنما تا حدی دانشجو و کار وی را مورد مراقبت و پایش قرار می‌دهد؛ کرامت وی را حفظ می‌کند؛ در قبال وی مسئولیت‌ها و وظایفی دارد؛ و نیز از بینش و داوری‌های فضیلت‌مندانه‌اش برای بهبود کار وی استفاده می‌کند.

با این حال، به نظر ما می‌توان مجموعه اصول کامل‌تری را مبنای کار قرار داد. ما در این پژوهش به دلایلی که اشاره خواهیم کرد، اصول یا وظایف «سر دیوید راس» (۱۹۳۹) را در نظر خواهیم گرفت و اصول دیگر را نیز به آن اضافه خواهیم کرد. «راس» هفت اصل یا وظیفه را در بادی نظر معرفی می‌کند:

۱. اصل خیررسانی^۲. به دیگران یاری برسانید؛

۱. در حوزه اخلاق، کسی که قانونی معرفی می‌کند، معتقد است که در هیچ شرایطی این قانون نباید نقض شود. در خارج از حوزه اخلاق (به‌ویژه در علوم طبیعی) قانون حقیقتی است که اصلاً قابل نقض نیست و اگر نقض شود از قانون بودن می‌افتد و دیگر قانون نیست. برای مثال، قانون اول نیوتن تا وقتی که قانون است، نقض‌شدنی نیست و اگر نقض شود، دیگر قانون نیست.

۲. beneficence. سودرسانی یا دستگیری.

۲. اصل آسیب‌نرساندن^۱. به دیگران صدمه نزنید؛
۳. اصل صداقت^۲. صادق باشید و به وعده‌هایتان عمل کنید؛
۴. اصل جبران^۳. اشتباهات خود را جبران کنید؛
۵. اصل قدردانی^۴. از کسانی که به شما نیکی می‌کنند، سپاسگزار باشید؛
۶. اصل خودبهبودسازی^۵. توانایی‌های خود را افزایش دهید و استعدادهای خود را شکوفا کنید؛
۷. اصل عدالت. در ارزیابی‌ها و توزیع مسئولیت و مزایا منصف باشید.

دلیل انتخاب اصول «راس» در وهله نخست، جامع بودن آن‌هاست. با توجه به بررسی ادبیات موضوع و استخراج مواردی که چالش‌های اخلاقی نظارت و راهنمایی پژوهش خواننده شده‌اند و نیز تحلیل و بررسی مؤلفه‌های راهنمایی و نظارت به نظر می‌رسد که اصول «راس» در مقایسه با اصولی مانند اصول «کیچنر» بهتر می‌تواند الزامات عمیق اخلاقی ما را فراچنگ آورد و بهتر می‌تواند مبنایی برای چالش‌های اخلاقی و در نتیجه، کدهای اخلاقی تدوین شده باشند. اصولی مانند جبران، قدردانی، و خودبهبودسازی می‌تواند نقش مهمی در راهنمایی هرچه بهتر پژوهش‌بازی کنند؛ اصولی که در دیگر مجموعه اصول مشاهده نمی‌شود.

برای تکمیل این هفت اصل در کاربست آن‌ها در حرفه راهنمایی پژوهش به نظر می‌رسد که می‌توان اصل احترام را نیز اضافه کرد. اصولی چون مسئولیت‌پذیری یا تعهد، چنانکه اشاره کردیم به‌طور ضمنی از اصول صداقت (و عمل به وعده یا تعهد) و اصل جبران قابل استخراج‌اند. کسی که صداقت (fidelity) دارد، به وعده‌ها و تعهداتی که دارد عمل می‌کند. همچنین، کسی که در پی جبران خطاها و کوتاهی‌های خود است، در قبال دیگران احساس مسئولیت می‌کند. اما در مورد اصل احترام:

1. non-maleficence

۲. fidelity. «راس» راستگویی را نیز نوعی عمل به وعده یا وفاداری می‌داند (Ross 2003, 21)؛ وقتی من وارد یک گفت‌وگو با کسی دیگر می‌شوم، به شکل ضمنی متعهد می‌شوم که در بیان سخن راستگو باشم. یا کسی که یک واقعیت را گزارش کند (یک مورخ، خبرنگار و ...)، قرار بر این است که در گزارش جزئیات آن صادق باشد، یا به اصطلاح به واقعیت‌ها «وفادار» باشد. از این رو، fidelity هم، به معنای راستگویی (honesty) است، هم وفاداری (loyalty) و هم عمل به وعده (keeping promise).

3. reparation

4. gratitude

5. self-improvement

۱. اصل احترام. به استقلال، ارزش‌ها، شخصیت، و حریم خصوصی دیگران احترام بگذارید.

استاد راهنما و دانشجو باید به استقلال رأی، ارزش‌ها، شخصیت و حریم خصوصی همدیگر احترام بگذارند. این اصل با توجه به رابطه نامتقارن استاد راهنما و دانشجو (Kearns and Finn 2017, 150) اهمیت دوچندانی می‌یابد. هرگونه تحمیل دیدگاه و ارزش‌ها از سوی استاد راهنما می‌تواند مخرب باشد. «مهم است که استادان راهنما به دیدگاه‌ها و باورهای دانشجو احترام بگذارند، مگر اینکه این باورها اعتبار پژوهش را خدشه‌دار کند» (Miller 2013, 88). همچنین، استاد راهنما و دانشجو باید کرامت همدیگر را حفظ کنند و حریم خصوصی یکدیگر را پاس بدارند.

چالش‌های اخلاقی راهنمایی پژوهش

پژوهش «گودیر، کرگو و جانستون» از محدود پژوهش‌هایی است که به‌طور مستقیم به چالش‌های اخلاقی راهنمایی دانشجویان پرداخته است. آن‌ها ۹ مقوله مسئله اخلاقی را شناسایی کرده‌اند که به نظر جامع‌ترین دسته‌بندی‌ای است که از چالش‌های اخلاقی راهنمایی پژوهش ارائه شده است (Goodyear, Crego & Johnston 1992):

۱. راهنمایی فاقد صلاحیت^۱. استاد راهنما دانش و مهارت کافی برای راهنمایی پژوهش را ندارد؛
۲. راهنمایی ناکافی^۲. استاد راهنما به اندازه کافی خود را درگیر کار دانشجو نمی‌کند؛
۳. رهاسازی^۳. استاد راهنما در وسط کار، راهنمایی را رها می‌کند یا علاقه‌اش را از دست می‌دهد؛
۴. تحمیل ارزش‌ها و دیدگاه‌ها. استاد راهنما دیدگاه‌های خود را به دانشجو تحمیل می‌کند. وی مثال استادی است که اصرار می‌کند دانشجویش در تحلیل و مطالعه یک رخداد تجاوز، رویکردی فمینیستی داشته باشد (ibid 206)؛
۵. سوء رفتار^۴. هرگونه بدرفتاری از جمله آزار جنسی و غیرجنسی، تحقیر، فحاشی، بدگویی، تنبیه؛
۶. سوء استفاده/ استعمار^۵. استاد راهنما، دانشجو را درگیر کارهای شخصی خودش می‌کند؛

1. incompetent

2. inadequate

3. Abandonment

4. abusive supervision

5. exploitive supervision

۷. رابطه دو گانه. استاد وارد رابطه‌ای عاطفی با دانشجو می‌شود. «استاد مشاور پایان‌نامه و دانشجو در گیر رابطه عاطفی بودند، اما رابطه پایان خوشی نداشت. آن‌ها جدا شدند و استاد دانشجو را در طول انجام پایان‌نامه و نوشتن متن بسیار اذیت کرد» (ibid)؛
۸. تشویق به تقلب. استاد دانشجو را تشویق به داده‌سازی می‌کند. «... دانشجو یک پیمایش خانه به خانه انجام می‌داد. عضو هیئت علمی به وی گفته بود که اگر کسی خانه نبود، خودش داده را سرهم کند» (ibid)؛
۹. مسائل مربوط به تألیف و مالکیت فکری. نمونه‌ها: (۱) استاد ایده‌های دانشجو را به شکلی مستقل و به نام خود منتشر می‌کند؛ (۲) استاد دانشجو را مجبور می‌کند که نام وی به‌عنوان نویسنده اول مقاله بیاید؛ (۳) استاد دانشجو را مجبور می‌کند که بخشی از پژوهش شخصی‌اش را انجام دهد (سایه‌نویسی). بنابراین، مواردی چون سرقت ادبی، سایه‌نویسی، ندادن اعتبار تألیف، یا دادن اعتبار تألیف ناموجه در انتشار مقالات از مصادیق این چالش هستند.
- «لافاستروم و فیالتو»، ۱۶ نوع چالش اخلاقی راهنمایی و نظارت بر پایان‌نامه و رساله را را ذکر کرده‌اند که در موارد زیادی با چالش‌های «گودیر، کرگو و جانستون» همپوشانی دارند (Löfström & Pyhältö 2014): ۱. سوء استفاده و سوء رفتار، ۲. اختصاص ناروا (استاد راهنما بخشی از کار دانشجو را به خود نسبت می‌دهد)، ۳. رابطه دو گانه، ۴. مسایل مربوط به بهزیستی^۳ و رضایت دانشجو، ۴. نبود فرهنگ جمعی^۴، ۵. صلاحیت استاد راهنما، ۶. مسائل ساختاری (مسائل مربوط به قوانین و آئین‌نامه‌های دانشگاه)، ۷. مرزهای میان نقش / حمایت استاد راهنما، ۸. تحمیل دیدگاه‌های استاد راهنما، ۹. محدود بودن نگرش‌ها و چشم‌اندازها، ۱۰. خواسته‌های متعارض^۵، ۱۱. استاد راهنما میان هدایت کردن دانشجو و

۱. گرچه «گودیر، کرگو و جانستون» فقط به رابطه عاطفی و جنسی اشاره می‌کنند، ولی رابطه دو گانه فراتر از این است. رابطه دو گانه شامل هر رابطه موازی دیگری غیر از راهنمایی است که ممکن است به فرایند پژوهش دانشجو لطمه بزند؛ از جمله روابط جنسی، عاطفی، اقتصادی، حزبی و سیاسی.

۲. هر گونه رابطه موازی غیر از رابطه حرفه‌ای راهنمایی پژوهش؛ از جمله رابطه جنسی، عاطفی، اقتصادی و غیره.

3. well-being

4. collective culture

5. conflicting demands

آزاد گذاشتن وی احساس تعارض می‌کند، ۱۲. رهاسازی، ۱۳. راهنمایی و نظارت ناکافی^۱، ۱۴. بی‌احترامی، ۱۵. بی‌انصافی^۲، و ۱۶. تألیف و مالکیت نامنصفانه.

چنانکه پیداست، بخش عمده این چالش‌ها همان چالش‌های «گودیر، کرگو و جانستون» هستند. چالش‌های اضافه‌شده به نظر می‌رسد مشکلاتی دارند. اول اینکه برای برخی از این چالش‌ها هیچ توضیح کافی در متن وجود ندارد. برای مثال، موارد ۴، ۵، ۸ و ۱۵ مبهم‌اند. می‌توان حدس زد که به احتمال، منظور از فرهنگ جمععی، توانایی همکاری و کار جمععی استادان راهنما و دانشجو با هم است. با این حال، «لافتروم و فیالتو» توضیحی نمی‌دهند. دوم اینکه در مورد مستقل بودن برخی از این چالش‌ها تردید وجود دارد. برای مثال، می‌توان ادعا کرد که بهزیستی و رضایت دانشجو تا جایی که به ارتباط استاد راهنما و دانشجو برمی‌گردد، معلول نبود دیگر چالش‌هاست و در غیر این صورت، چالش اخلاقی راهنمایی پژوهش به حساب نمی‌آید. بنابراین، نیازی به طرح مستقل آن نیست. همچنین، نویسندگان اختصاص ناروا را به‌عنوان یک چالش مستقل آورده‌اند. با این حال، به نظر می‌رسد که اختصاص ناروا صرفاً یکی از مصادیق سوء استفاده (چالش نخست)، یا تألیف یا مالکیت نامنصفانه (چالش شانزدهم) باشد.

سوم اینکه برخی از این چالش‌ها یا در اصل، ماهیتی اخلاقی ندارند یا مربوط به رابطه استاد راهنما و دانشجو نیستند. برای مثال، مسائل ساختاری لزوماً به ارتباط استاد راهنما و دانشجو مرتبط نمی‌شوند. همچنین معلوم نیست خواسته‌های متعارض چگونه یک چالش اخلاقی است. به نظر می‌رسد که این مسئله دوراهی اخلاقی باشد تا مسئله یا چالش اخلاقی. استاد راهنما به صرف اینکه در چنین تنشی به سر می‌برد، مرتکب هیچ نقض اصول اخلاقی نشده است و وجود چنین تنش‌هایی در این حرفه کاملاً طبیعی است؛ مهم نحوه مدیریت چنین تنش‌هایی است.

برای رسیدن به یک مجموعه مشخص و به نسبت جامع از چالش‌ها، بررسی منابع و آئین‌نامه‌های دانشگاه‌های متعدد تا رسیدن به اشیاع اطلاعاتی ادامه پیدا کرد. در این

۱. این یک مفهوم کلی است و مصادیق نظارت ناکافی بسته به رشته و حوزه آموزشی و پژوهشی فرق می‌کند و در نتیجه، تشخیص در عرف دانشکده‌ها و پژوهشکده‌ها صورت می‌گیرد. برای مثال، نظارت کافی برای برخی از رشته‌ها مستلزم همراهی حضوری در آزمایشگاه‌هاست؛ در حالی که برای برخی از رشته‌ها چنین نیست.

2. inequity

بررسی‌ها چهار نوع چالش اخلاقی دیگر شناسایی شد که به‌طور مستقیم در چالش‌های «گودیر، کرگو و جانستون» و «لافستروم و فیالتو» ذکر نشده‌اند:

۱. عدم اعلام تعارض منافع و علایق (Miller 2013؛ Monash University 2020)؛
۲. عدم تعیین مسئولیت‌ها و نقش‌ها در گروه راهنمایی (Lund University 2021)؛
۳. عدم هماهنگی میان استادان راهنما (University of Edinburgh 2021)؛
۴. دریافت هدایایی توسط استاد راهنما که می‌تواند روی فرایند نظارت تأثیر بگذارد (Lund University 2021؛ INN University 2019).

البته، در این میان شاید بتوان موارد ۲ و ۳ را به چالش «نبود فرهنگ جمعی» (Löfström & Pyhälä 2014) ربط داد. یا دست کم می‌توان با این دو چالش نبود فرهنگ جمعی را توضیح داد. ما بر اساس مجموعه چالش‌های به‌دست‌آمده مجموعه‌ای متشکل از ۱۰ چالش اصلی را معرفی کردیم. برخی از این چالش‌ها همان چالش‌های «گودیر، کرگو و جانستون» هستند. با این حال، ما مقوله‌بندی نسبتاً جدیدی از چالش‌ها ارائه کردیم. در این مقوله‌بندی برخی از چالش‌های «گودیر، کرگو و جانستون» ذیل چالش‌های دیگری قرار گرفته‌اند و همچنین چالش‌های جدیدی نیز اضافه شده‌اند. در مورد هر چالش اشاره کرده‌ایم که این چالش‌ها کدام اصول اخلاقی ما را در معرض نقض قرار می‌دهند. البته، باید توجه کرد که برخی از گویه‌های چالش‌های اصلی، در عین حال که نقض اصول اخلاقی به شمار می‌روند، نقض قوانین و هنجارهای حقوقی نیز هستند. به‌عبارت دیگر، در جاهایی مقولات اخلاقی و حقوقی با هم همپوشانی دارند. جدول زیر را ملاحظه کنید:

جدول ۱. چالش‌های اخلاقی و اصول اخلاقی در معرض نقض

ردیف	چالش‌های اخلاقی راهنمایی پایان‌نامه‌ها/ رساله‌ها	اصول اخلاقی در معرض نقض
۱	دانش ناکافی	اصل خیررسانی، اصل آسیب نرساندن، اصل صداقت، اصل خودبهبودی
نمونه‌ها	۱. استاد راهنما/ مشاور دانش و تخصص کافی برای راهنمایی پایان‌نامه/ رساله را ندارد. ۲. استاد راهنما/ مشاور هنگام شروع راهنمایی/ مشاوره با موضوع رساله/ پایان‌نامه آشنایی ندارد.	

ردیف	چالش‌های اخلاقی راهنمایی پایان‌نامه‌ها/ رساله‌ها	اصول اخلاقی در معروض نقض
۲	تعارض منافع ۱. استاد راهنما با دانشجو نسبت خانوادگی نزدیک دارد. ۲. استاد راهنما با دانشجو رابطه شخصی نزدیک دارد. ۳. موضوع پژوهش به گونه‌ای است که اختلاف عقیدتی/ فکری/ سیاسی استاد و دانشجو مشکل ساز است. ۴. موضوع پژوهش به گونه‌ای است که اختلاف جنسیتی استاد و دانشجو مشکل ساز است.	اصل خیررسانی، اصل آسیب نرساندن
۳	تحمیل دیدگاه ۴. استاد راهنما دیدگاه‌ها و ارزش‌های خود را تحمیل می‌کند. ۵. موضوع پژوهش به دانشجو تحمیل می‌شود.	اصل خیررسانی، اصل آسیب نرساندن، اصل خودبهبودی، اصل احترام
۴	عدم انعطاف و گشودگی ۱. استاد راهنما در برابر طرح ایده‌های جدید توسط دانشجو مقاومت می‌کند. ۲. استاد راهنما کمکی به پروراندن ایده‌های دانشجو نمی‌کند.	اصل خیررسانی، اصل آسیب نرساندن، اصل خودبهبودی، اصل قدردانی
۵	مدیریت نادرست ۱. برنامه مورد توافقی برای داشتن جلسات منظم با دانشجو وجود ندارد. ۲. محتوای جلسات ثبت نمی‌شود (در نتیجه، امکان عدم پذیرش مسئولیت توصیه‌ها/ راهنمایی‌ها/ مشاوره‌ها وجود دارد) ۳. هیچ نوع تقسیم کاری میان استادان راهنما و مشاور وجود ندارد. ۴. استادان راهنما و مشاور ارتباط و همکاری مناسبی ندارند.	اصل خیررسانی، اصل آسیب نرساندن، اصل عدالت
۶	نظارت ناکافی ۱. استاد راهنما برخلاف برنامه توافقی شده به دانشجو وقت کافی اختصاص نمی‌دهد. ۲. استاد راهنما نوشته‌های دانشجو را به شکل کامل مطالعه نمی‌کند. ۳. استاد راهنما ارزیابی تفصیلی/ جزئی از کار دانشجو به وی نمی‌دهد. ۴. برخلاف برنامه زمانی توافقی شده، کار دانشجو با تأخیر بررسی می‌شود. ۵. نظارت و راهنمایی پایان‌نامه/ رساله برای مدتی رها می‌شود.	اصل خیررسانی، اصل آسیب نرساندن، اصل عدالت، اصل جبران، اصل صداقت

ردیف	چالش‌های اخلاقی راهنمایی پایان‌نامه‌ها/ رساله‌ها	اصول اخلاقی در معرض نقض
۷	سوء رفتار ۱. استاد راهنما به شخصیت و کرامت دانشجو احترام نمی‌گذارد. ۲. اطلاعات محرمانه دانشجو فاش می‌شود.	اصل آسیب‌نرساندن، اصل صداقت، اصل جبران، اصل احترام
۸	رابطه دوگانه ۱. استاد راهنما با دانشجو وارد رابطه عاطفی / جنسی می‌شود. ۲. استاد راهنما با دانشجو وارد رابطه اقتصادی می‌شود.	اصل آسیب‌نرساندن، اصل صداقت، اصل عدالت
۹	دریافت پاداش ۱. استاد راهنما از دانشجو هدیه دارای ارزش اقتصادی یا هر نوع مابه‌ازای مادی در قبال انجام راهنمایی دریافت می‌کند. ۲. استاد راهنما کارهای شخصی‌اش را به دانشجو واگذار می‌کند.	اصل آسیب‌نرساندن، اصل صداقت، اصل عدالت، اصل احترام
۱۰	نقض اخلاق پژوهش ۱. استاد راهنما ایده‌های دانشجو را به شکلی مستقل و به نام خود منتشر می‌کند. ۲. ترتیب درست اسامی نویسندگان در مقاله برگرفته از رساله/ پایان‌نامه رعایت نمی‌شود. ۳. استاد راهنما دانشجو را مجبور به انجام پژوهش شخصی خودش می‌کند. ۴. استاد راهنما دانشجو را تشویق به تقلب (مثلاً داده‌سازی) می‌کند.	اصل آسیب‌نرساندن، اصل صداقت، اصل عدالت، اصل خودبهبودی، اصل جبران، اصل قدردانی

چالش‌های اخلاقی راهنمایی پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها و زمینه ایران

در ادامه، دو پرسش زیر را با ۲۵ نفر از استادان، دانشجویان و فارغ‌التحصیلان تحصیلات تکمیلی در قالب تکنیک دلفی مطرح کردیم:

۱. چقدر چالش‌های فوق را با زمینه دانشگاهی ایران مرتبط می‌دانند؟ (منظور از ارتباط این است که چقدر این چالش‌ها در زمینه دانشگاهی ایران نیز رخ می‌دهند)؛

۱. با توجه به اینکه فرض بر این است که مؤلف اصلی رساله/ پایان‌نامه دانشجو است، نویسنده اول مقاله برگرفته از پایان‌نامه دانشجو است؛ مگر اینکه وضعیت مشارکت استاد راهنما/ مشاور در فصل‌های پایان‌نامه به گونه‌ای باشد که نویسنده اول بودن استاد راهنما/ مشاور را در برخی از مقالات برگرفته از پایان‌نامه به لحاظ اخلاقی توجیه کند. بنابراین، استاد راهنما/ مشاور بهتر است پیش از مشارکتی که از نظر ماهیتی بیش از کار راهنمایی است (مثلاً ایده‌پردازی) بر سر ترتیب منصفانه نویسندگان مقاله مستخرج از آن به توافق برسند.

۲. چه چالش‌های دیگری غیر از این چالش‌ها در زمینه دانشگاهی ایران وجود دارد؟

گزینه‌های پاسخ به پرسش نخست، به شکلی طیفی و با استفاده از طیف «لیکرت» طراحی شده و در برابر هر چالش گزینه‌های بسیار زیاد (۵)، زیاد (۴)، متوسط (۳)، کم (۲)، و بسیار کم (۱) قرار داده شد.

اطلاعات آماری مشارکت‌کننده‌ها

ما پرسشنامه فوق را برای ۲۵ نفر از دانشجویان تحصیلات تکمیلی، فارغ‌التحصیلان تحصیلات تکمیلی و استادان دانشگاهی که دارای تجربه راهنمایی و مشاوره بودند، به‌عنوان ذی‌نفعان اصلی راهنمایی پژوهش ارسال کردیم. جامعه آماری ما اساتید و دانشجویان و فارغ‌التحصیلان وابسته به «وزارت علوم، تحقیقات و فناوری» بود. تلاش این بود که حداکثر تنوع در مشارکت‌کنندگان وجود داشته باشد. بنابراین، از مشارکت افرادی از حوزه‌های پژوهشی و علمی گوناگون، درجات علمی گوناگون، جنسیت‌های متفاوت، و دانشگاه‌های متفاوت استفاده کردیم. حتی تلاش این بوده که تفاوت‌های جغرافیایی و قومیتی نیز در نظر آورده شوند. بنابراین، مشارکت‌کننده‌ها فقط محدود به پایتخت نبودند. از میان ۲۵ نفر مشارکت‌کننده، ۱۶ نفر مرد و ۹ نفر زن بودند. با توجه به اینکه در چند سال اخیر جمعیت استادان (استادیار، دانشیار، و استاد) و دانشجویان تحصیلات تکمیلی مرد در ایران از جمعیت استادان و دانشجویان تحصیلات تکمیلی زن به مراتب بیشتر بوده است (وبسایت تخصصی هیئت علمی ۱۳۹۵)، تلاش نکردیم که از نظر آماری یک تساوی جنسیتی میان مشارکت‌کنندگان برقرار شود.

همچنین، ۱۲ نفر از مشارکت‌کنندگان عضو هیئت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها و ۱۳ نفر دانشجویان/فارغ‌التحصیلان تحصیلات تکمیلی بودند. از این میان، ۹ استادیار، ۲ دانشیار، ۵ فارغ‌التحصیل دکتری، ۳ فارغ‌التحصیل ارشد، ۲ دانشجوی دکتری، و ۲ دانشجوی ارشد حضور داشتند. دانشجویان دکتری و ارشد همگی یا در اواسط نوشتن پایان‌نامه و رساله بودند یا در پایان کار.

پاسخ‌های پرسش نخست

در پرسش نخست، از مشارکت‌کنندگان پرسیده بودیم چقدر چالش‌های مطرح‌شده را با زمینه آموزشی و پژوهشی ایران مرتبط می‌دانند. چنان‌که قبلاً اشاره کردیم، برای اینکه مشارکت‌کننده تصویر روشن‌تری از چالش‌ها به‌دست آورد، ذیل هر چالش دست

کم دو نمونه ذکر شد. مشارکت‌کننده از میان ۱ (کمترین ارتباط) تا ۵ (بیشترین ارتباط) به نمونه‌ها نمره می‌دهد و سرانجام، میزان ارتباط چالش اصلی از طریق جمع میانگین به‌دست آمده از نمونه‌های آن چالش مشخص می‌شود. بر اساس نتایج به‌دست آمده، چالش مدیریت نادرست، نظارت ناکافی، عدم انعطاف و گشودگی، و تحمیل دیدگاه به ترتیب، مرتبط‌ترین چالش‌های اخلاقی راهنمایی رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها بودند. دانش ناکافی، نقض اخلاق پژوهش و دریافت پاداش در رده‌های میانی، و سوء رفتار، رابطه دو گانه و تضاد منافع به ترتیب، در رده‌های پایین تر قرار گرفتند. میانگین نمرات مشارکت‌کنندگان به نمونه‌های چالش‌ها و نیز میانگین خود چالش‌ها به تفکیک دو گروه اصلی استادان و دانشجویان/ فارغ‌التحصیلان در جدول ۲، آمده است.

میانگین پاسخ‌ها بر اساس دو گروه دانشجو/ فارغ‌التحصیل و استادان

همان‌گونه که جدول ۲، نشان می‌دهد، میانگین نمرات دانشجویان و فارغ‌التحصیلان به تمام چالش‌ها بالاتر از استادان بوده است. این یعنی اینکه تصور دانشجویان/ فارغ‌التحصیلان از عملکرد استادان در مقایسه با تصویری که استادان از عملکرد خود دارند، در کل، نامطلوب‌تر است. همچنین، اختلاف میانگین‌ها در برخی چالش‌ها قابل توجه است. اختلاف‌ها در چالش دانش ناکافی و دریافت پاداش بالاتر از یک (به ترتیب ۱/۰۹، و ۱/۲۲) و در چالش‌های سوء رفتار، رفتار دو گانه و تعارض منافع نزدیک ۱ بوده است. داده‌های مربوط به دانش ناکافی و دریافت پاداش نشان می‌دهد که اولاً استادان و دانشجویان بعضی وقت‌ها در مورد دانش کافی استاد ارزیابی یکسانی ندارند؛ استاد ممکن است صادقانه، دانش و مهارت خود را برای راهنمایی یک رساله و پایان‌نامه کافی ببیند، ولی دانشجو تصور متفاوتی داشته باشد. ثانیاً ممکن است استادان برخی از رفتارها را از مصادیق دریافت پاداش در نظر نگیرند، ولی دانشجویان آن‌ها را نوعی بهره‌کشی در قبال انجام راهنمایی قلمداد کنند. برای مثال، میانگین نمونه دوم این چالش یعنی «استاد راهنما/ مشاور کارهای شخصی خود را به دانشجو واگذار می‌کند» بر اساس پاسخ‌های دانشجویان و استادان به ترتیب، ۳/۷۵ و ۲/۲ بوده است که اختلاف قابل توجهی بین آن‌ها مشاهده می‌شود.

همچنین، میانگین نمره مشارکت‌کنندگان به نمونه سوم تضاد منافع، بسته به اینکه از اقلیت‌های قومی/ دینی بوده‌اند یا نه، تفاوت داشته است. میانگین نمرات

مشارکت کنندگان متعلق به اقلیت‌های قومی / دینی و غیر آن به ترتیب، ۳/۶۶ و ۲/۳۵ بوده است. زنان نیز در مقایسه با مردان به نمونه چهارم (اختلاف جنسیتی) نمره بسیار بیشتری داده‌ند؛ میانگین نمرات زنان و مردان به ترتیب، ۳/۲۲ و ۱/۵۲ بوده است.

جدول ۲. مقایسه میانگین پاسخ‌های دو گروه دانشجویان / فارغ‌التحصیلان و استادان

میانگین پاسخ‌ها		چالش‌های اخلاقی
استادان	دانشجویان / فارغ‌التحصیلان	
۴,۲۵	۴,۳۹	۱ مدیریت نادرست
۴,۱	۴,۲۵	نمونه‌ها ۱. برنامه مورد توافقی برای داشتن جلسات منظم با دانشجو وجود ندارد.
۴,۱	۴,۵۸	۲. محتوای جلسات ثبت نمی‌شود؛ در نتیجه، امکان عدم پذیرش مسئولیت توصیه‌ها / راهنمایی‌ها / مشاوره‌ها وجود دارد.
۴,۶	۴,۲۵	۳. هیچ نوع تقسیم کاری میان استادان راهنما و مشاور وجود ندارد.
۴,۲	۴,۵	۴. استادان راهنما و مشاور ارتباط و همکاری مناسبی ندارند.
۴,۰۴	۴,۰۸	۲ نظارت ناکافی
۴	۴,۲۵	نمونه‌ها ۱. استاد راهنما / مشاور بر خلاف برنامه توافق شده به دانشجو وقت کافی اختصاص نمی‌دهد.
۴	۴,۱۶	۲. بر خلاف برنامه زمانی توافق شده، کار دانشجو با تأخیر بررسی می‌شود.
۴,۱	۴,۲۵	۳. استاد راهنما نوشته‌های دانشجو را به شکل کامل مطالعه نمی‌کند.
۴,۱	۴,۰۸	۴. استاد راهنما / مشاور ارزیابی جزئی / تفصیلی از کار دانشجو به وی نمی‌دهد.
۴	۳,۶۶	۵. نظارت و راهنمایی پایان‌نامه / رساله برای مدتی رها می‌شود.
۳,۴۵	۳,۹۴	۳ عدم انعطاف و گشودگی
۳,۱	۳,۸	نمونه‌ها ۱. استاد راهنما / مشاور در برابر طرح ایده‌های جدید توسط دانشجو مقاومت می‌کند.
۳,۸	۴,۰۸	۲. استاد راهنما / مشاور کمکی به پروراندن ایده‌های دانشجو نمی‌کند.
۳,۱۵	۴,۲۴	۴ دانش ناکافی
۳,۳	۴,۴	۳. استاد راهنما / مشاور دانش و تخصص کافی برای راهنمایی پایان‌نامه / رساله ندارد.
۳	۴,۰۸	۴. استاد راهنما / مشاور هنگام شروع راهنمایی، با موضوع رساله / پایان‌نامه آشنایی ندارد.

میانگین پاسخ‌ها		چالش‌های اخلاقی
استادان	دانشجویان / فارغ‌التحصیلان	
۳,۴	۳,۹	۵. تحمیل دیدگاه
۳,۴	۳,۸	نمونه‌ها ۱. استاد راهنما/ مشاور دیدگاه‌ها و ارزش‌های خود را تحمیل می‌کند.
۳,۴	۴	۲. موضوع پژوهش به دانشجو تحمیل می‌شود.
۲,۹	۳,۴۹	۶. نقض اخلاق پژوهش
۳,۱	۳,۵۸	نمونه‌ها ۱. استاد راهنما/ مشاور ایده‌های دانشجو را به شکلی مستقل و به نام خود منتشر می‌کند.
۳,۳	۴,۱۶	۲. ترتیب درست اسامی نویسندگان در مقاله برگرفته از رساله/ پایان‌نامه رعایت نمی‌شود.
۲,۸	۳	۳. استاد راهنما/ مشاور دانشجو را مجبور به انجام پژوهش شخصی خودش می‌کند.
۲,۴	۳,۲۵	۴. استاد راهنما/ مشاور دانشجو را تشویق به تقلب (مثلاً داده‌سازی) می‌کند.
۲,۰۵	۳,۲۷	۷. دریافت پاداش
۱,۹	۲,۸	نمونه‌ها ۱. از دانشجو هدیه‌ی دارای ارزش اقتصادی یا هر نوع مابه‌ازای مادی در قبال انجام راهنمایی دریافت می‌شود.
۲,۲	۳,۷۵	۲. استاد راهنما/ مشاور کارهای شخصی خود را به دانشجو واگذار می‌کند.
۲,۱	۳,۰۵	۸. سوء رفتار
۲,۵	۳,۸	نمونه‌ها ۱. به شخصیت و کرامت دانشجو احترام گذاشته نمی‌شود.
۱,۷	۲,۳	۲. اطلاعات محرمانه دانشجو فاش می‌شود.
۲,۰۵	۲,۹۵	۹. رابطه دوگانه
۱,۹	۲,۶۶	نمونه‌ها ۳. استاد راهنما/ مشاور با دانشجو وارد رابطه عاطفی/ جنسی می‌شود.
۲,۲	۳,۲۵	۴. استاد راهنما/ مشاور با دانشجو وارد رابطه اقتصادی می‌شود.
۲,۰۵	۲,۹۵	۱۰. تعارض منافع
۱,۹	۲,۶۶	نمونه‌ها ۱. استاد راهنما/ مشاور با دانشجو نسبت خانوادگی نزدیک دارد.
۲,۳	۳,۵	۲. استاد راهنما/ مشاور با دانشجو رابطه شخصی نزدیک دارد.
۲,۱	۳,۳۳	۳. موضوع پژوهش به گونه‌ای است که اختلاف عقیدتی/ فکری/ سیاسی استاد و دانشجو مشکل‌ساز است.
۱,۹	۲,۳۳	۴. موضوع پژوهش به گونه‌ای است که اختلاف جنسیتی استاد و دانشجو مشکل‌ساز است.

پاسخ پرسش دوم

در پرسش دوم، از مشارکت کنندگان خواسته بودیم که اگر افزون بر چالش‌های ذکر شده، مورد دیگری را در نظر دارند، بیان کنند. چند مشارکت کننده مواردی را ذکر کردند، ولی اکثر این موارد یا تغییر دیگری از چالش‌ها یا نمونه‌های مطرح شده در پرسش اول بود یا نتیجه این چالش‌ها یا نمونه‌ها. بعضی از موارد نیز جزو چالش‌های راهنمایی پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها نبودند، بلکه بیشتر ویژگی‌هایی بودند که می‌توانند زمینه بروز چالش اخلاقی را ایجاد کنند؛ از جمله: ساختارها و قوانین آموزشی و پژوهشی. بنابراین، مورد جدیدی به فهرست طرح شده اضافه نشد. بنابراین، در دور دوم نظرسنجی صرفاً میانگین پاسخ‌های دور اول را با مشارکت کنندگان در میان گذاشتیم و از آن‌ها خواستیم در صورت تمایل در پاسخ‌ها بازنگری کنند. با این حال، تغییر قابل توجهی در میانگین‌ها مشاهده نشد.

کدهای اخلاقی راهنمایی پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها

در کنار راه‌های متعددی که می‌توان برای مواجهه با یک وضعیت نامطلوب اخلاقی در پیش گرفت، تدوین مجموعه‌ای مدون از وظایف یا کدهای اخلاقی خالی از فایده نیست. اگرچه این مجموعه وظایف نمی‌توانند نقش یک ماشین اخلاقی را برای تبدیل یک وضعیت اخلاقی نامطلوب به یک وضعیت کاملاً مطلوب اخلاقی بازی کنند، وجود و آگاهی از آن‌ها می‌تواند تا حدی حساسیت اخلاقی کنشگران و ذی‌نفعان راهنمای رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها را بالا ببرد.

مطابق با مصادیق چالش‌های به‌دست آمده می‌توان وظایف اخلاقی را برای بهبود وضعیت راهنمایی رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها طرح و تدوین کرد. این کدها به‌عنوان راهنما و مبنایی برای آگاهی از چالش‌ها و تشویق برای پرهیز از آن‌ها طرح خواهد شد. هر کد اخلاقی ممکن است از نظر محتوایی به‌طور مستقیم دربردارنده مصادیق یک چالش باشد یا ممکن است دربردارنده حکم دیگری برای جلوگیری از بروز آن چالش باشد. انطباق کدهای طرح شده با چالش‌ها و مصادیق آن‌ها در یک گروه کانونی متشکل از هشت نفر از دانشجویان و استادان راهنما طرح شده و نظرات آن‌ها در نسخه نهایی کدها گنجانده شده است. تلاش بر این بود که دست کم نصف افراد مشارکت کننده افراد جدیدی باشند که در جریان گام قبلی پژوهش مشارکتی نبودند. فرضیه این بود که ورود افراد جدید به گروه

کانونی می‌تواند دیدگاه‌های جدیدی را در اختیار پژوهشگر قرار دهد. برای تشکیل این گروه کانونی یک پروتکل دو-مؤلفه‌ای در نظر گرفته شده بود. (۱) افراد حاضر در گروه کانونی همانند گام دوم حتماً بایستی تجربه راهنمایی یا راهنمایی‌شدن را می‌داشتند، و (۲) افراد حاضر در گروه باید تا حدی با ادبیات فلسفه اخلاق به‌ویژه اخلاق حرفه‌ای آشنایی می‌داشتند. در ادامه، کدهایی را مطابق با مصادیق چالش‌های به‌دست آمده معرفی خواهیم کرد. ترتیب کدها مطابق با ترتیب اهمیت چالش‌ها بر اساس نظرات مشارکت‌کنندگان این پژوهش است. چنانکه پیش‌تر اشاره کردیم، تابعی یک به یک و پوشا میان کدها و مصادیق چالش‌ها برقرار نیست. در مواردی ممکن است دو کد برای یکی از مصادیق چالش‌های مورد نظر تدوین شده باشد یا یک کد به دو یا چند مصداق یک چالش مرتبط باشد. برای چالش‌های ده‌گانه، در کل، ۳۶ کد طراحی شد. اکنون می‌توان این کدها را به‌عنوان کدهای اخلاقی استادان راهنما و مشاور پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها (به همراه مجموعه اصول اخلاقی که پیش از این طرح شد) در نظر گرفت.

کدهای اخلاقی

۱. استاد راهنما/ مشاور باید یک برنامه مورد توافق برای تماس منظم با دانشجو داشته باشد و کار وی را مورد نظارت قرار دهد (دانشکده یا پژوهشکده باید برای تعداد جلسات استاد راهنما و دانشجو یک کمیته تعیین کند)؛
۲. استاد راهنما/ مشاور باید یک جدول زمانی مورد توافق با دانشجو برای انجام مراحل پایان‌نامه/ رساله داشته باشد؛
۳. محتوای جلسات باید توسط دانشجو ثبت و برای تأیید به استاد راهنما/ مشاور ارسال شود؛
۴. استاد راهنمای اول سرپرست گروه راهنمایی است و باید از طریق هم‌فکری با بقیه گروه مسئولیت‌ها و نقش‌های هر یک از استادان راهنمای دیگر را مشخص کند (University of Edinburgh 2021)؛
۵. استاد راهنمای اصلی (اول) باید همکاری و هماهنگی لازم با دیگر استادان راهنما داشته باشد (University of Edinburgh 2021)؛
۶. استاد راهنما/ مشاور باید از نحوه راهنمایی و نظارت همدیگر، و نیز توصیه‌ها و راهنمایی‌های یکدیگر آگاه باشند (University of Edinburgh 2021)؛
۷. استاد راهنما/ مشاور اول باید از آگاهی دانشجو از مسئولیت‌های هر یک از اعضای تیم

- راهنمایی مطمئن شود (University of Edinburgh 2021)؛
۸. در صورت بروز هرگونه مشکل جدی در روند کار به نحوی که ادامه کار با دانشجو دشوار یا نشدنی شود، استاد راهنما/ مشاور باید موضوع را با پژوهشگر/ دانشگر در میان بگذارد؛
 ۹. استاد راهنما/ مشاور باید بر اساس جدول زمانی تعیین شده و تعداد جلسات مورد توافق به دانشجو وقت اختصاص دهد؛
 ۱۰. استاد راهنما/ مشاور باید نوشته‌های دانشجو را مطابق با جدول زمانی مورد توافق مطالعه کند و به دانشجو بازخورد و ارزیابی تفصیلی بدهد؛
 ۱۱. استاد راهنما/ مشاور باید غیر از جلسات منظم، رویه‌ای برای مواجهه با مسائل فوری (از جمله تلفن، ایمیل، یا تنظیم جلسات فوق‌العاده) داشته باشند (The University of Sheffield, n.d.)؛
 ۱۲. استاد راهنما/ مشاور نباید بدون هماهنگی قبلی و بدون در نظر گرفتن سازوکارهایی برای پیشبرد کار دانشجو، راهنمایی و نظارت را متوقف کند؛
 ۱۳. استاد راهنما/ مشاور باید دانشجو را به طرح ایده‌های نو و خلاقانه تشویق کند و در همان حال، نگاه نظارتی و ارزیابانه خود را حفظ کند؛
 ۱۴. استاد راهنما/ مشاور باید تمام تلاش فکری خود را در بهبود ایده‌های دانشجو به کار گیرد؛
 ۱۵. استاد راهنما/ مشاور باید جلساتی را فراهم کند که دانشجو بتواند روند کار خود را به دانشجویان و استادان ارائه کند؛
 ۱۶. استاد راهنما/ مشاور در گفت‌وگوی اولیه با دانشجو باید درباره میزان دانش و تخصص خود صادق باشد (Monash University 2020)؛
 ۱۷. استاد راهنما/ مشاور باید تخصص، توانایی، و تجربه کافی برای راهنمایی رساله/ پایان‌نامه را داشته باشد؛
 ۱۸. در صورتی که موضوع رساله/ پایان‌نامه در حوزه کاری استاد راهنما/ مشاور است، ولی وی با موضوع انتخابی دانشجو آشنایی کافی نداشته باشد، پیش از پذیرش مسئولیت راهنمایی باید در این زمینه آشنایی لازم را کسب کند؛
 ۱۹. استاد راهنما/ مشاور باید به استقلال فکری دانشجو احترام بگذارد و در همان حال به بهبود ایده‌ها و دیدگاه‌های وی کمک کند؛

۲۰. انتخاب موضوع پژوهش باید در اختیار دانشجو و بر اساس علایق و توانایی‌های وی باشد؛
۱۲. استاد راهنما در مسئله انتخاب موضوع توسط دانشجو نباید صرفاً دنبال تحقق اهداف پژوهشی یا پیگیر علایق پژوهشی خود از طریق دانشجو باشد؛
۲۲. استاد راهنما/ مشاور باید از اقتدار و قدرت خود به شکل حرفه‌ای استفاده کند (INN University 2019)؛
۲۳. استاد راهنما/ مشاور باید از کدهای اخلاق پژوهش آگاه باشد و مطمئن شود که دانشجو نیز از آن‌ها آگاه است؛
۲۴. مؤلف اصلی رساله/ پایان‌نامه دانشجویست و حق وی برای نویسنده اول بودن مقالات برگرفته از پایان‌نامه/ رساله باید محترم شمرده شود؛
۲۵. مؤلف اصلی پایان‌نامه یا رساله دانشجویست و استاد راهنما/ مشاور نباید نقش نویسنده و مجری پایان‌نامه/ رساله را بازی کند؛
۲۶. استاد راهنما/ مشاور نباید کدهای اخلاق پژوهش را نقض کند و دانشجو را نیز از نقض کدهای اخلاق پژوهش بر حذر دارد. هرگونه سرقت ادبی^۱، نقض حق نشر^۲، سایه‌نویسی^۳، داده‌سازی^۴، ارسال دوگانه^۵، و انتشار پیشین^۶ از مصادیق نقض اخلاق پژوهش محسوب می‌شود و استاد راهنما/ مشاور و دانشجو باید از آن‌ها بپرهیزند؛
۲۷. دریافت هدایایی که دارای ارزش مادی هستند، می‌تواند به ارتباط حرفه‌ای استاد راهنما/ مشاور و دانشجو آسیب برساند. استاد راهنما/ مشاور در طول انجام راهنمایی نباید از دانشجو هدیه دارای ارزش مادی یا هر نوع مابازای مادی دیگر دریافت کند؛
۲۸. استاد راهنما/ مشاور نباید در ازای ارائه راهنمایی، از دانشجو خدمات دریافت کند؛
۲۹. استاد راهنما/ مشاور باید فرایند راهنمایی را در چارچوبی حرفه‌ای پیش ببرد؛ هرگونه بدزبانی، تحقیر، و توهین نقض کرامت دانشجو محسوب شده و می‌تواند اثری مخرب روی این فرایند داشته باشد؛
۳۰. استاد راهنما/ مشاور باید رازدار باشد و حریم خصوصی دانشجو باید محترم شمرده شود؛

1. plagiarism

2. copyright infringement

3. ghostwriting

4. data fabrication

۵. double submission؛ ارسال یک مقاله به دو مجله (یا بیشتر) برای داوری.

۶. prior publication؛ انتشار مجدد یک مقاله منتشر شده. این مورد شامل ترجمه مقالات می‌شود. ترجمه یک مقاله آن را به مقاله‌ای جدید تبدیل نمی‌کند.

۳۱. استاد راهنما/ مشاور برای دانشجو باید همچون یک الگوی رفتاری و اخلاقی باشد؛
۳۲. روابط خارج از حرفه راهنمایی، از جمله روابط اقتصادی و عاطفی/ جنسی می‌تواند برای روند انجام پژوهش آسیب‌زا باشد. استاد راهنما/ مشاور نباید وارد روابط غیر حرفه‌ای با دانشجو شود؛
۳۳. در صورتی که استاد راهنما و دانشجو بخواهند وارد رابطه‌ای چون ازدواج شوند، این مسئله باید در شورای پژوهش/ آموزش دانشکده/ پژوهشکده مطرح شود و در مورد ادامه کار استاد راهنما یا در نظر گرفتن استاد راهنمای دیگر برای دانشجو تصمیم‌گیری شود؛
۳۴. استاد راهنما/ مشاور پیش از برگرفتن مسئولیت راهنمایی رساله/ پایان‌نامه باید هرگونه تعارض منافع را اعلام کند (Monash University 2020)؛
۳۵. استاد راهنما/ مشاور نباید راهنمای دانشجویی شود که با وی دارای روابطی است که تعارض منافع ایجاد می‌کنند؛
۳۶. در تعیین استاد راهنما/ مشاور، ملاحظات مربوط به تفاوت‌های عقیدتی، فکری، سیاسی، جنسیتی که ممکن است به تعارض منافع بیانجامد، در نظر گرفته شود.

۴. نتیجه‌گیری

چنانکه در بررسی ارتباط چالش‌های شناسایی شده با زمینه دانشگاهی ایران دیدیم، از چشم‌انداز استادان و دانشجویان/ فارغ‌التحصیلان شش چالش میانگین بالای ۳ را کسب کرده‌اند (در چشم‌انداز دانشجویان/ فارغ‌التحصیلان این تعداد ۸ چالش بوده است) و میانگین هیچ چالشی پایین‌تر از ۲ نبوده است. همچنین، دو چالش مدیریت نادرست و نظارت ناکافی میانگین بالای ۴ کسب کرده‌اند. این نتایج دست کم این احتمال را که وضعیت اخلاقی راهنمایی پژوهش دانشگاهی در ایران چندان مطلوب نباشد، بالا می‌برند. همچنین، دانشجویان/ فارغ‌التحصیلان و استادان دیدگاه‌های واگرایی نسبت به برخی از چالش‌ها داشتند؛ به‌عنوان مثال، دانشجویان/ فارغ‌التحصیلان در مقایسه با گروه استادان، نمره بالاتری به چالش دانش ناکافی داده بودند. به‌عبارت دیگر، دانشجویان/ فارغ‌التحصیلان ارتباط و اهمیت چالش دانش ناکافی را بیشتر از چیزی می‌دانستند که استادان تصور می‌کردند. یک راه برای تعبیر این نتیجه آن است که در برخی موارد استادان ممکن است دانش و مهارت‌های خود را برای راهنمایی یک رساله یا پایان‌نامه

کافی ببینند، ولی دانشجویان دیدگاه متفاوتی داشته باشند. همچنین، دانشجویان ممکن است برخی از کنش‌ها را مصداقی از سوء استفاده یا بهره‌کشی از دانشجویان تلقی کنند، ولی استادان نظر متفاوتی داشته باشند. همچنین، با توجه به اینکه جنسیت‌های متفاوت و افرادی از گروه‌های قومی-دینی گوناگون در پژوهش مشارکت داشتند، امکان مقایسه دیدگاه‌های آن‌ها در مورد برخی از چالش‌هایی که می‌توانست به نحوی با مسئله جنسیت و تنوع قومی-دینی ارتباط پیدا کند، فراهم شد. زنان و اقلیت‌های قومی و دینی به چالش تعارض منافع، نمره بالاتری داده بودند. این نیز نشان می‌دهد که حساسیتی را که زنان و افرادی از اقلیت‌های قومی-دینی روی مسئله تعارض منافع دارند، به‌طور معمول، مردها یا افراد متعلق به طبقه اکثریت جامعه ندارند. همچنین، نتایج نظرسنجی حاکی از آن بود که چالش‌های گردآوری شده کم‌وبیش جامعیت دارند و از این نظر تفاوت قابل توجهی میان زمینه دانشگاهی ایران و کشورهای دیگر وجود ندارد. ما از مشارکت کنندگان خواسته بودیم که اگر غیر از چالش‌های طرح شده، چالش دیگری را مرتبط با زمینه ایران می‌دانند، ذکر کنند. چنانکه بحث کردیم، مواردی که برخی از مشارکت کنندگان طرح کرده بودند یا زیرمجموعه‌ای از چالش‌های اخلاقی اصلی ما بود یا به‌طور مستقیم به چالش‌های اخلاقی راهنمایی رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها مربوط نمی‌شد. در پایان، بر اساس چالش‌های به‌دست آمده، اقدام به تدوین کدهای اخلاقی کردیم. ۳۶ کد اخلاقی در انطباق با چالش‌ها معرفی شد. برای اطمینان از ارتباط کدهای تدوین شده با چالش‌ها و نیز جامعیت کدها، آن‌ها را از طریق یک گروه کانونی متشکل از هشت نفر از اساتید و دانشجویان به بحث گذاشتیم و نظرات نهایی آن‌ها را در بدنه کدها اعمال کردیم. برخی از افراد حاضر در گروه کانونی در گام دوم پژوهش مشارکت داشتند، ولی برخی از آن‌ها افراد علاقه‌مند جدیدی بودند. ضمناً همه این افراد کم‌وبیش با مباحث اخلاق حرفه‌ای آشنا بودند.

اجازه دهید بحث را با اشاره به برخی پیشنهادها عملی در مورد نتایج این پژوهش به پایان ببریم. بررسی ارتباط و اهمیت چالش‌های اخلاقی راهنمایی رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها با توجه به زمینه ایران نشان داد که احتمال اینکه کیفیت اخلاقی راهنمایی در وضعیت چندان مطلوبی نباشد، بالاست. به نظر ما می‌توان دو راهکار همزمان برای بهبود این وضعیت ارائه داد. نخست، با توجه به اینکه اخلاق حرفه‌ای در کل کاروباری آموزشی است، برگزاری دوره‌های آموزشی اخلاق حرفه‌ای راهنمایی پژوهش برای استادانی که

مایل‌اند راهنما و مشاور رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها شوند، مفید به نظر می‌رسد (Brew and Tai 2004). بسیاری از استادان با چالش‌های اخلاقی این حوزه آشنایی ندارند و از وظایف اخلاقی خود آگاه نیستند. پژوهش حاضر می‌تواند به‌عنوان بخشی از مطالب آموزشی این دوره‌ها مورد استفاده قرار گیرد. پیشنهاد دوم درباره نحوه استفاده از کدهاست. حالت مطلوب این است که این کدها از طریق «وزارت علوم، تحقیقات و فناوری» به دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها و سایر مؤسسات آموزش عالی ابلاغ شود. این ابلاغ دست کم استادان راهنما را از وجود این کدها آگاه می‌کند و می‌تواند مستقیم یا غیرمستقیم حساسیت اخلاقی آن‌ها را بالا ببرد.

فهرست منابع

- سلیمی قاسم، و حسینی نیره. ۱۳۹۸. واکاوی تجارب زیسته دانشجویان دکتری در خصوص مسئولیت‌های استاد راهنما به‌عنوان ارشادکننده پژوهشی. *پژوهشنامه برنامه‌ریزی در آموزش عالی* ۲۵ (۴): ۲۳-۵۲.
- عطاران، محمد، حسن‌رضا زین‌آبادی، و سعید طولابی. ۱۳۸۸. انتخاب استاد راهنما و رابطه استاد راهنما - دانشجو، دیدگاه‌های دانش‌آموختگان دوره دکترا «مطالعات برنامه‌درسی ۱۵ (۴): ۲۸۱-۳۰۸».
- قربانی، تنها، و سید امیر کیوان. ۱۳۹۸. اخلاق‌مداری در فرایند انجام پایان‌نامه. *دومین همایش ملی دانشگاه اخلاقی‌مدار ۲۶-۲۶ آذر، تهران*.
- وب‌سایت تخصصی هیئت علمی. ۱۳۹۵. ساختار مردانه اعضای هیئت علمی در آموزش عالی کشور. <https://heiatelmi.ir/> (دسترسی در ۱۴۰۰/۱۰/۱۵).

References

- Alfredo, K., & H. Hart. 2011. The university and the responsible conduct of research: Who is responsible for what? *Science and Engineering Ethics* 17: 447-457.
- Anderson, M. S., K. S. Louis, & J. Earle. 1994. Disciplinary and departmental effects on observations of faculty and graduate student misconduct. *Journal of Higher Education* 65: 331-350.
- Berggren I., A. Barbosa da Silva, & E. Severinsson. 2005. Core ethical issues in clinical supervision. *Nursing and Health Sciences* 7: 21- 28.
- Brew, A & P. Tai. 2004. Changing postgraduate supervision practice: a programme to encourage learning through reflection and feedback. *Innovations in Education and Teaching International* 41 (1): 5-22.
- Cambridge University. 2018. 'Code of Practice for research students starting their course in 2018-19 Introduction'. Available at: https://www.cambridgestudents.cam.ac.uk/files/cop_research_1819.pdf (accessed May 22, 2022)
- Goodyear, R. K., C. A. Crego, & M. W. Johnston. 1992. Ethical issues in the supervision of student research: A study of critical incidents. *Professional Psychology: Research and Practice* 23 (3): 203-210.

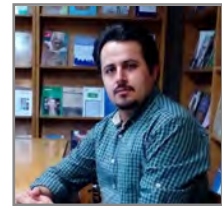
- Grant, K., R. Hackney, & D. Edgar. 2014. Postgraduate research supervision: An 'agreed' conceptual view of good practice through derived metaphors. *International Journal of Doctoral Studies* 9: 43-60
- Gray, P. W., and S. R. Jordan. 2012. Supervisors and academic integrity: supervisors as exemplars and mentors. *Journal of Academic Ethics* 10: 299-311.
- INN University. 2019. 'Ethical guidelines for supervisors at INN University'. Available at: <https://eng.inn.no/research/research-training-phd/phd-handbook/the-course-of-studies/supervision/ethical-guidelines-for-supervisors-at-inn-university> (accessed Feb. 16, 2022)
- Kearns, H., and John Finn. 2017. *Supervising PhD Students A practical guide and toolkit*. London: Routledge, Think Well publication.
- Kitchener, K. S. 1984. Intuition, critical thinking, and ethical principles: The foundation of ethical decisions in counseling psychology. *The Counseling Psychologist* 12: 43-55.
- Löfström, E., & Pyhältö, K. 2012. The supervisory relationship as an arena for ethical problem-solving. *Education Research International*, Article ID 961505.
- _____. 2014. Ethical issues in doctoral supervision. The perspectives of PhD students in the natural and behavioural sciences. *Ethics & Behavior* 24 (3): 195–214.
- _____. 2015. "I don't even have time to be their friend!" Ethical dilemmas in PhD supervision in hard sciences. *International Journal of Science Education* 37 (16): 2721–2739.
- Löfström, T. E., T. Trotman, M. Furnari, & K. Shephard. 2015. Who teaches academic integrity and how do they teach it? *Higher Education* 69 (3): 435–448. <https://doi.org/10.1007/s10734-014-9784-3>
- Lund University. 2021. Mutual ethical guidelines for the relationship between supervisors and research students at LTH. Available at: https://www.student.lth.se/fileadmin/lth/lthhandboken/utbildningforskning/forskarutbildning/Mutual_ethical_guidelines_for_the_relationship_between_supervisors_and_research_students_at_LTH.pdf (accessed Feb. 8, 2022)
- Manathinga, C & Justine, G. 2007. Challenging the dual assumption of the "always/already" autonomous student and effective supervisor. *Teaching in Higher Education* 12 (3): 309-322.
- Miller Richard L. 2013. Ethical Issues in Supervising, in Donnelly et. al (eds.), *Supervising and Writing a Good Undergraduate Dissertation*. ? : Bentham Science Publishers. 78-108.
- Monash University. 2020. Graduate Research Supervision Policy. Available at: <https://publicpolicydms.monash.edu/Monash/documents/1935804> (accessed Jan. 11, 2022)
- Pyhältö, K., J. Vekka, & J. Keskinen. 2012. Exploring the fit between doctoral students' and supervisors' perceptions of resources and challenges vis-à-vis the doctoral journey. *International Journal of Doctoral Studies* 7: 395–414.
- Ross W. D. 2002. *The Right and the Good*. Reprinted with an introduction by Philip Stratton-Lake. Oxford: Oxford University Press.
- _____. 1939. *Foundations of Ethics: the Gifford Lectures Delivered at the University of Aberdeen, 1935-6*. Oxford: Clarendon Press.
- Sydney University. n.d. 'Research Supervision'. Available at: <https://www.sydney.edu.au/students/research-supervision.html> (accessed Jan. 28, 2022)
- Todd, M., Smith, K., & Bannister, P. 2006. Supervising a social science undergraduate dissertation: Staff experiences and perceptions. *Teaching in Higher Education* 11 (2): 161-173.
- UCL. 2019. 'Research and project supervision (all levels): an introduction'. Available at: <https://www.ucl.ac.uk/teaching-learning/publications/2019/aug/research-and-project-supervision-all-levels-introduction> (accessed May. 8, 2022)
- University of Edinburgh. 2021. Code of Practice for Supervisors and Research Students. Available at: <https://www.ed.ac.uk/files/atoms/files/copsupervisorsresearchstudents.pdf> (accessed Mar. 13, 2022)

- University of Glasgow. 2018. 'Code of Good Practice in Research'. Available at: https://www.gla.ac.uk/media/Media_490311_smxx.pdf (accessed Feb. 12, 2022)
- University of Helsinki. 2015. Code of conduct. Available at: https://www2.helsinki.fi/sites/default/files/atoms/files/yeb_code_of_conduct.pdf (accessed Feb. 8, 2022)
- The University of Sheffield. n.d. 'Responsibilities of the supervisor'. <https://www.sheffield.ac.uk/research-services/code/supervision/responsibilities-supervisors> (accessed Feb. 9, 2022)
- Verweij Marcel. 2007. Moral Principles and Justification in Applied Ethics. In Göran Collste (ed.), *Perspectives on Applied Ethics*. Centre for Applied Ethics. Linköping.
- Watts, J. 2010. Team supervision of the doctorate: managing roles, relationships and contradictions. *Teaching in Higher Education* 15 (3): 335-339.

رحمان شریفزاده

متولد ۱۳۶۳، دارای مدرک دکتری فلسفه علم و فناوری از پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی است. ایشان هم‌اکنون استادیار پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) است.

اخلاق فناوری، اخلاق فناوری اطلاعات، مطالعات علم و فناوری، و فلسفه علم و فناوری از علایق پژوهشی وی است



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی